

درنگی در شرایط احسان زن و مرد در زناى محصنه

طیبه بلوردی^۱

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، گروه معارف، ایران، سیرجان

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

طیبه بلوردی

t_balvardi90@yahoo.com

چکیده

زنا، رابطه نامشروع با شرایطی خاص میان مرد و زنی است که علقه زوجیت بین آنها وجود ندارد. زنا بر چند نوع قابل تقسیم است، یکی از مصادیق زنا، زناى محصن و محصنه است، که عبارت است از اینکه مرد زن دار و زن شوهردار روابط نامشروع با شخص دیگری داشته باشند. در تحقق این نوع زنا شرایط و کیفیت‌های خاصی باید مورد توجه قرار گیرد، از جمله: شرایط احسان زن و مرد، البته در وجود این شرایط در بین فقها اختلاف وجود دارد. این نوشتار در صدد بررسی شرایط احسان زن و مرد در زناى محصنه است و به بیان اختلاف فقها در شرایط می‌پردازد.

واژگان کلیدی: محصن، محصنه، احسان، رجم، تازیانه، سنگسار.

مقدمه

زنا از جمله گناهان کبیره‌ای است که در شریعت اسلام مورد مذمت و تحریم شدید قرار گرفته است، در قرآن درباره تحریم زنا آیات چندی وجود دارد از آن جمله «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء، ۳۲) "به زنا نزدیک نشوید، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است".

در کتب فقهی زنا، از جمله موضوعات باب حدود به شمار می‌آید، زنا انواع مختلف دارد، یکی از انواع آن زناى محصن و محصنه است. زناى محصنه شرایط خاصی دارد، از جمله؛ شخص زناکننده دارای همسر دائمی باشد به گونه‌ای که هرگاه بخواهد با همسر خود نزدیکی کند، مانعی در کار نباشد و با این حال تن به زنا داده باشد. زناى محصنه، اگر به اثبات برسد، ممکن است به مجازات سنگسار منتهی شود. در شریعت اسلام، سنگسار یا رجم حد شرعی زناى محصنه است، که در خصوص مرد و زن زناکار تحت شرایط خاص احصان اعمال می‌شود. برای اجرای حد شرعی لازم است شرایط اثبات زنا محقق گردد. و گر نه حد شلاق زدن بر آنها جاری خواهد شد، پیش‌بینی این‌گونه مجازات‌های سنگین، به دلیل جنبه بازدارندگی آن است؛ زیرا دامنه مفاسد مترتب بر زنا، به خصوص زناى محصنه، ابعاد مختلف در زندگی فردی و اجتماعی انسان و جامعه دارد. سؤال اصلی این تحقیق، آن است؛ چه اختلافاتی از نظر فقیهان در ارتباط با شرایط احصان وجود دارد؟ این نوشتار، ضمن شناسایی، توصیف و تبیین احصان و زناى محصنه در فقه به پاسخ این سوال می‌پردازد که شرایط/احصان زن و مرد کدامند و نقش این شرایط تا کجا است؟ آیا شرایط/احصان در زن و مرد با یکدیگر تفاوت دارند یا نه؟ اختلاف فقها در کدامیک از شرایط/احصان بین زن و مرد در تحقق رجم می‌باشد؟

بنابراین بررسی مسأله و واکاوی فقهی آن، در نصوص دینی و مستندات فقهی حایز اهمیت است. در پژوهش‌های انجام شده با محوریت زنا به شرایط اختلافی درباره احصان توجه نشده است؛ روشن است که این مسأله، به ویژه از منظر تفاوت‌های خلقی و خلقی زن و مرد، نیاز به بررسی‌ای عمیق‌تر دارد.

۲- چستی احصان

احصان در لغت ماده‌ی "حصن" در اصل به معنای بازداشتن (ابن منظور، ۱۳/۱۴۱۴) و حفظ کردن است (مصطفوی، ۲/۱۳۶۰، ۲۳۵) که با «حصن»، به معنای جایگاه مرتفع (فیومی، بی‌تا، ۱۳۹/۲) هم خانواده است. لطافت واژه احصان از این جهت است که صفتی ارزشی (مصطفوی، ۲/۱۳۶۰، ۲۳۶) و ثابت در شخصیت فرد را نشان می‌دهد با صرف نظر از برخورد با عوامل خارجی (همان، ۲/۲۳۵) ولی به ظاهر، این ویژگی‌ها در «حفظ» به کار نرفته است. (همان، ۲/۲۳۵) به زره که انسان را از آسیب و جراحت مصون می‌دارد، درع حصین می‌گویند (راغب، ۲۳۹، ۱۴۱۲). احصان در لغت به معنای محکم مستحکم نگهداشتن است و مصدر باب افعال است. در لغت عرب به معنای منع است، مانند اینکه آدم در یک حصار باشد. به اسب نیز حصان می‌گویند چون صاحب خود را از هلاکت بازداشته و حفظ می‌کند. به زره محکم حصین گفته می‌شود به خاطر اینکه منع‌کننده و حفظ‌کننده است. الْحَصَانُ، با فتح یعنی زن عقیقه و جمع آن (حَصَنٌ) می‌باشد (فیومی، بی‌تا، ۱۳۹/۲)

واژه احصان ریشه‌ای روایی و قرآنی دارد و درباره هر یک از زن و مرد به کار رفته است. به مرد دارای احصان محصن و به زن محصنه گفته می‌شود واژه احصان در آیات، نیز درباره مردان: «مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ» (نساء، ۴، ۲۴۰) و درباره زنان «مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْفِحَاتٍ» (نساء، ۴، ۲۵) آمده است.

احصان در اصطلاح فقهی، ضمن حفظ معنای لغویش، دارای بار معنایی ویژه‌ای گردیده است. یعنی صفتی که باعث می‌شود مرد و زن به سبب داشتن همسر، یا به خاطر داشتن حیا، خود را از بی‌عفتی حفظ کنند، و در معنای اسم فاعلی یعنی، خود را از بی‌عفتی باز می‌دارند و در معنای مفعولی آن به این معنا است؛ آنان به واسطه‌ی داشتن همسر، از بی‌عفتی بازداشته شده‌اند (ابن منظور، ۱۳/۱۴۱۴، ۱۲۰) شهید اول در تعریف احصان می‌گوید: احصان یعنی مباشرت فرد بالغ عاقل با زنی که مباشرت با او به عقد دائم یا ملک یمین، ملک او است به طوری که صبح و شب می‌تواند با او مباشرت کند. (شهید اول، ۲۳۵، ۱۳۸۰)

مراد از «محصن» کسی است که زوجه و همسر داشته باشد، خواه به عقد دائم یا به ملک یمین که هر صبح و شام، امکان دسترسی به او را داشته باشد، در واقع امر در اختیارش باشد و مقصود از زن «محصنه» کسی است که دارای همسر به عقد دائم باشد، که او صبح و شام امکان ارتباط با او را داشته باشد. (حلی، کنز العرفان، ۲/۸۴۵) اسماعیل بن جابر گوید: «از امام باقر (ع) پرسیدم: مرد محصن کیست؟ حضرت فرمود: کسی که زنی در اختیارش باشد که صبح و شام نزد وی برود» (کلینی، ۲۳/۱۴، ۱۴۲۹) امام جعفر صادق (ع) در فرمایش خدا: و زنان محصنه، فرمود: «همه آنان، زنان شوهردار هستند».

حریر گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره مردی محصن پرسیدم. حریر گوید: امام فرمود: آن مردی است که زنا کند و نزدش زنی باشد که او را بی نیاز سازد» (همان، ۱۷۸/۷)

محمد بن مسلم می گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره فرموده‌ی خداوند متعال: آن زمان که محصن شدند، پرسیدم. حضرت فرمود: محصن شدن زنان به آن است که شوهر با آنان آمیزش کند. پرسیدم: اگر شوهر با آنان آمیزش نکند، آیا حدی بر آنان نیست؟ حضرت فرمود: بله، هست» (حر عاملی، ۲۸، ۷۷/۱۴۰۹)

۳- کاربرد احسان در فقه

احسان در فقه به دو معنی به کار رفته است:

۳-۱. در زنا محصنه

در مورد زنا محصنه بین زن و مردی که به عقد دائم بوده و امکان تمتع روز و شب از همدیگر را دارند و مباشرت به صورت متعارف، صورت گرفته باشد، بالغ، عاقل و حر باشند محصن و محصنه گویند.

۳-۲. در جرم قذف

در مورد جرم قذف که احسان از اجتماع عقل، بلوغ، حریت، اسلام و عفت در یک فرد حاصل می شود، احسان به این معنی از اصطلاحات فقهاء است و در نصوص شرعی دیده نشده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۱۶۱). مراد از عفت، پاکدامنی از وطی حرام است که با مالک بودن زن مصادف نباشد و گرنه زنی که در حیض، یا در احرام است، با شوهر خود نزدیکی کرده، اگر چه کار حرامی کرده ولی با ارتکاب آن، از پاکدامنی بیرون نمی رود، اما با ارتکاب زنا بیرون می رود (شیخ طوسی، ۵، ۷/۱۴۰۷؛ ۱۳۸۷-۱۸۳/۱۸۷؛ محقق حلی، ۱۴۱۸، ۱۵۱/۴)

۴- شرایط تحقق احسان در باب زنا

در شمار شرایط احسان زن و مرد در باب زنا نظرات متعددی از سوی فقهاء بیان شده است.

فقهایی چون، علامه حلی (علامه حلی، ۵، ۳۰۶/۱۴۲۰؛ قواعد الاحکام، ۳، ۱۴۱۳/ ۵۲۹)، شهید ثانی در روضه البهیة (شهید ثانی، ۳، ۲۷۶/۱۳۸۰)، محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۱۸، ۲۱۴/۱) و فخرالمحققین (فخر المحققین، ۱۴۱۵، ۴۸۰/۴)، فاضل هندی در کشف اللثام (فاضل هندی، ۱۰، ۴۵۳/۱۴۱۶)، فاضل آبی در کشف الرموز (فاضل آبی، ۲، ۵۴۱/۱۴۱۷)، صاحب ریاض (حائری طباطبایی، ۱۴، ۴۴۵/۱۴۱۸) و مکارم در انوارالفقاهه (مکارم شیرازی، ۹۳، ۱۴۱۸) شرایط احسان زن و مرد را یکی می دانند. ابن زهره بر آن ادعای اجماع دارد (ابن زهره، ۱۴۱۷، ۴۲۴).

احسان در مرد، عبارت است از نزدیکی بالغ عاقل با همسر دائمی یا کنیز خود از از قبُل و فراهم بودن زمینه‌ی این عمل در هر صبح و شام (نجفی، ۴۱، ۲۶۹/۱۴۰۴) شهید ثانی می گوید: زن محصنه عبارت است از زن بالغ و عاقلی که شوهر دائم و بالغش او را در قبل به گونه‌ای وطی کرده باشد که موجب غسل شود. اما دسترسی داشتن به وطی تنها در احسان مرد شرط است نه زن. (شهید ثانی، ۳، ۲۷۵/۱۳۸۰) در زن عبارت است از وطی زن آزاد بالغ عاقل توسط همسر دائمی و بالغ در قبل به مقداری که موجب غسل شود. محقق حلی در المختصرالنافع می گوید: احسان زن مانند مرد است اما بنا بر اجماع در آن عقل در نظر گرفته می شود (محقق حلی، ۱۴۱۸، ۲۱۴/۱)

شهید ثانی هشت قید را در احسان معتبر می داند: اصابت، یعنی وطی در قبل، بلوغ، عقل و حریت واطی، وطی در فرج، وجود عقد دائم، امکان استمتاع در صبح و شام، علم به مباشرت. (شهید ثانی، ۳، ۲۷۵/۱۳۸۰)

مرحوم خویی برای احسان مرد دو چیز شرط می داند: آزادی، دارای همسر دائم باشد و یا کنیزی که با او نزدیکی کرده باشد. و در احسان زن آزاد بودن شرط است و اینکه همسری دائمی داشته باشد که با او نزدیکی کرده باشد اگر در این حالت زنا کند و مرد زناکار بالغ باشد، آن زن سنگسار می شود. (خویی، ۱۴۲۲، ۴۱، ۲۴۶-۲۴۵)

امام خمینی شش شرط را به عنوان شرایط احسان زن و مرد بیان می کند: وطی در قبل، بلوغ، عقل، ازدواج دائم، امکان تمتع دائمی، حریت. (خمینی، بی تا، ۲، ۴۵۷-۴۵۸)

مکارم در انوارالفقاهه برای مرد شش صفت را از شرایط احسان می داند: جماع با همسر از راه قبُل صورت گرفته باشد، بلوغ، عقل، عقد دائم، امکان تمتع جنسی زوجین از یکدیگر، حریت (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ۹۰-۶۹).

بنابر آنچه ذکر شد، شروط ذکر شده در تحقق احسان عبارتند از:

۴-۱. زوجیت دائمی

احسان در مرد عبارت است از نزدیکی بالغ عاقل با همسر دائمی یا کنیز خود از قبل و فراهم بودن زمینه‌ی این عمل در هر صبح و شام (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۶۹/۴۱، خویی، ۲۴۶/۱۴۲۲، ۴۱). اینکه جماع در عقد دائم باشد، با ازدواج موقت احسان حاصل نمی‌شود. همین طور عقد دائمی که کشف شود باطل بوده، یا جماع از روی شبهه باشد؛ احسان تحقق پیدا نمی‌کند. زیرا زن و مرد با ازدواج، از گناهان بسیاری حفظ می‌شوند. قرآن می‌فرماید: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ...» (نساء، ۴، ۲۴). در زن عبارت است از وطی زن آزاد بالغ عاقل توسط همسر دائمی و بالغ در قبل به مقداری که موجب غسل شود (شهید ثانی، ۱۳۸۰، ۲۷۵/۳).

ابن‌ادریس در سر/نثر (ابن‌ادریس، ۳، ۴۱۰/۴۳۷) شهید ثانی (شهید ثانی، ۳، ۲۷۵/۳) و فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۱۰۰/۴۵۳)؛ صاحب ریاض (حائری طباطبایی، ۱۴، ۱۴۱۸، ۴۴۵/۴۴۵) می‌گویند که از شروط احسان این است که مرد همسری به عقد دائم داشته باشد.

ابن زهره در غنیه می‌گوید؛ شرط احسان مرد این است که همسر داشته باشد به عقد دائم یا ملک یمین چه همسرش آزاد باشد یا کنیز مسلمان یا ذمی (ابن زهره، ۴۲۳، ۱۴۱۷).

در صحیحی رفاعه آمده که از امام صادق (ع) پرسیدم «مردی قبل از نزدیکی با همسرش مرتکب زنا شده است آیا سنگسار می‌شود؟ حضرت فرمودند: خیر» (طوسی، ۱۰، ۱۴۰۷/۱۶).

فرج به واسطه عقد دائم یا ملک یمین، مملوک مرد باشد. بنابراین، احسان به واسطه وطی به زنا و وطی شبهه محقق نمی‌شود اگر چه به عقد، فاسد صورت گرفته باشد (شهید ثانی، ۳، ۱۳۸۰/۲۷۵؛ خمینی، ۲، ۴۵۸/۲). «احسان خود را از بی‌عفتی حفظ کردن است و کسی که خود را بوسیله‌ی ازدواج از ارتکاب عمل منافی عفت، حفظ کند محسن گویند، و مشهور میان متأخرین آن است؛ فرقی میان کنیز و زن آزاد در احسان نیست همین که شخص بضعی به طریق شرعی در اختیار داشته باشد، هر گاه بخواهد بتواند اطفاء شهوت کند و با این حال بدان بسنده نکرده مرتکب زنا شود زنایش محسنه است چه دارای زن آزاد باشد و چه دارای کنیز، ولی متعه را استثناء می‌کنند» (ابن بابویه، ۹، ۱۴۰/۸۳).

ابواسحاق گویند: «از امام کاظم علیه‌السلام درباره‌ی زناکاری که کنیزی هم‌خواه دارد یا کنیزی که با وی آمیزش می‌کند، پرسیدم. حضرت فرمود: آنچه ملاک است، تنها بی‌نیاز بودن است؛ به اینگونه که در نزد مرد زنی باشد که وی را از زنا بی‌نیاز سازد. پرسیدم: اگر می‌گویند که با کنیز آمیزش نمی‌کند؟ حضرت فرمود: گفته‌اش پذیرفته نمی‌شود. پرسیدم: اگر زن متعه‌ای نزد وی است؟ حضرت فرمود: تنها آنچه ملاک است، این است که زن دائمی نزد وی باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۸/۶۸).

خویی در تکملة المنهاج، اشاره می‌کند، هیچ اختلاف و اشکالی بین این که احسان با وجود همسر دائمی محقق می‌شود، وجود ندارد. اما در خصوص تحقق احسان مرد با داشتن کنیز، بین فقها اختلاف وجود دارد و نظر مشهور فقها این است که احسان با داشتن کنیز تحقق پیدا می‌کند. یعنی مردی که کنیز دارد محسن محسوب می‌شود و نظر مخالف مبنی بر عدم تحقق احسان مرد با داشتن کنیز به ابن‌عقیل عمانی و ابن‌جنید و شیخ طوسی و سلار دیلمی نسبت داده شده است که ایشان قائل به عدم تحقق احسان مرد، در صورت داشتن کنیز، می‌باشند و قول مشهور فقها صحیح است. دلالت دارد (خویی، ۱۴۱۲، ۴۱/۲۴۷).

۴-۱-۱. احسان در متعه

متعه احسان نمی‌آورد، و منکوحه‌ای که با او احسان متحقق می‌شود اگر حر باشد یا کنیز باید بعقد دوام باشد، اگر کنیز هم بعقد دوام در حباله‌ی نکاح او باشد در حکم حر است. (طوسی، ۱۴۰۷، ۲۵/۴۰).

صاحب جواهر بعد از آن که دعوای اجمال در زنا و وطی به شبهه می‌کند، می‌گوید به اجماع فقها با متعه کسی محسن نمی‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱، ۲۷۰) فاضل هندی در کشف‌اللاثام (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۲/۴۰۰) و سید مرتضی در انتصار، می‌گویند: «علی‌الاصح»، ممکن است مخالفی داشته باشد (سیدمرتضی، ۱۴۱۵، ۵۲۱) ولی صاحب جواهر می‌گوید: من مخالف پیدا نکردم (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱، ۲۷۰). معتبره اسحاق بن عمار که از امام (ع) سؤال شده است که به امام عرض کردم: اگر مردی دارای همسر غیر دائم باشد محسن محسوب می‌شود امام فرمودند: خیر احسان فقط با زوجیه دائمی تحقق پیدا می‌کند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۸/۶۸)

امام خمینی نیز معتقدند: مردی که زن متعه دارد به طوری که صبح و شام در اختیار اوست مع‌ذلک اگر زنا کند زنایش زنا محسن نیست. (خمینی، بی‌تا، ۲/۴۵۸)

۴-۲. امکان تمتع

امکان تمتع جنسی زوجین از یکدیگر برای تحقق احسان زن و مرد فراهم باشد و هر وقت بخواهند، بتوانند از همدیگر تمتع شوند (شهید اول، ۱۴۰۴، ۱۸۴/۱۴۱۴؛ حائری طباطبایی، ۱۴، ۱۴۱۸، ۴۴۵/۴۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۴، ۸۴) لذا اگر مرد همسر دائمی داشته باشد ولی به سبب

مسافرت، در حبس بودن، زوجه مریض باشد یا کسی مانع از نزدیکی او، شود یا فقط در شب یا فقط روز امکان نزدیکی باشد یا به هر عذر موجه دیگری از جماع با همسر خود محروم باشد، احصان محقق نمی‌شود.

شیخ طوسی می‌گوید: در احصان امکان وطی در نکاح فراهم باشد (طوسی، خلاف، ۴۰۲/۵؛ طبرسی، ۱۴۰۷، ۲/ ۳۹۹، ابن ادریس، ۳، ۱۴۱۰/ ۴۵۰) اگر این شروط دریافت شود، حد رجم در احصان تحقق خواهد یافت. (طبرسی، ۳۹۹/۲، ۱۴۱۰)

شهید ثانی می‌گوید: زن محصنه عبارت است از زن بالغ و عاقلی که شوهر دائم و بالغش او را در قبل به گونه‌ای وطی کرده باشد که موجب غسل شود. بنابراین، اگر زنی که شوهرش بچه دارد، وطی شدنش توسط شوهرش را منکر شود، احصان او ثابت نمی‌شود، حتی اگر شوهرش ادعا کند که او را وطی کرده است؛ البته در این صورت، احصان در مورد مرد ثابت می‌شود، مانند عکس فرض یاد شده، یعنی اگر مرد منکر وطی و زن، مدعی آن باشد، احصان در زن محقق می‌شود اما در مرد ثابت نمی‌شود. و اما دسترسی داشتن به وطی تنها در احصان مرد شرط است نه زن (شهید ثانی، ۳/ ۱۳۸۰/ ۲۷۵). فراهم بودن زمینه این عمل در صبح و شام تنها در حق مرد معتبر است (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱/ ۲۷۶).

روایت اسماعیل بن جابر از امام صادق (ع) سؤال کردم، محسن کیست فرمودند: هر کسی که متمکن از جماع باشد و بتواند صبح و شب جماع کند، محسن است (ابن بابویه، ۱۴۰۹، ۴/ ۳۴). فراهم بودن زمینه این عمل در صبح و شام تنها در حق مرد معتبر است (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱/ ۲۷۶).

امام معصوم (ع): «مردی که از خانواده‌اش دور است، سنگسار نمی‌شود و نیز مردی که همسر گرفته ولی هنوز او را نبرده و با وی آمیزش نکرده است، سنگسار نمی‌شود» (حر عاملی، ۲۸، ۹۶/۱۴۰).

رفاعة گوید: «از امام صادق علیه‌السلام درباره مردی که هنوز با همسرش آمیزش نکرده، زنا کند پرسیدم که: آیا سنگسار می‌شود؟ حضرت فرمود: نه» (همان، ۲۸، ۷۶).

فقهای عظام با عبارتی محکم‌تر و شدیدتر از نصوص قانونی، عدم دسترسی فرد به همسر شرعی خویش جهت استمتاع جنسی را موجب خروج از احصان می‌دانند. شهید ثانی می‌فرماید: یکی از شرایط احصان این است که فرد بتواند صبحگاهان و شامگاهان از همسرش متمتع گردد، اما اگر این امکان فراهم نباشد، یا یکی از موارد برای او ممکن باشد (یعنی فقط صبحگاهان بتواند عمل نزدیکی انجام دهد و شامگاهان نتواند یا به عکس). محسن محسوب نمی‌شود (شهید ثانی، ۳/ ۱۳۸۰/ ۲۷۵) عبارت شهید ثانی، با انشای مشابه از قول تمامی فقها نقل شده است که می‌توان به آیت‌اله خویی (خویی، ۱۴۲۲، ۲۰۳) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱/ ۴۰۰) و امام خمینی (خمینی، بی تا، ۴۵۸/۲) اشاره نمود. از روایت استفاده می‌شود، غیبت و دور بودن مرد از زن و یا زن از شوهر، خصوصیتی ندارد بلکه ملاک و معیار این است که امکان تمتع و بهره بردن جنسی در هر زمان که بخواهد و اراده کند برای او وجود نداشته باشد همانگونه که معنای سخن امام در صحیح اسماعیل بن جابر که فرمودند: کسی که فرجی در اختیار او باشد که صبح و شام و هرگاه که بخواهد بتواند از آن بهره ببرد و موارد شبیه آن، همین می‌باشد. بنابراین هر کس که امکان تمتع و بهره‌وری جنسی از همسرش را نداشته باشد، و اگر این عدم امکان به جهت سفر یا زندان و... باشد، خواه مسافت سفر او به اندازه مسافت شرعی باشد و یا کمتر از آن، غیر محسن محسوب می‌شود و هر کس که امکان تمتع جنسی از همسرش را داشته باشد هر چند که مسافر باشد و سفرش نیز به اندازه مسافت شرعی باشد، محسن محسوب می‌شود (خویی، ۴۱/ ۱۴۲۲، ۲۵۰).

از مشاهده برخی روایات می‌توان، افزون بودن صبر در زنان نسبت به مردان در روابط جنسی را اثبات نمود. وجود این ویژگی در زنان سبب شده است که زنان با داشتن شهوت بیشتر و نیروی جسمی کمتر، در برابر میل جنسی مقاوم باشند و نبود صبر در مردان، با وجود شهوت کمتر و قدرت جسمی بیشتر، آنان را در برابر شهوت جنسی ضعیف تر گردانیده است.

امام صادق (ع): «به زنان نیروی مباشرت (ارتباط جنسی) دوازده نفر و صبر دوازده نفر عطا شده است. (کلینی، ۱۴۲۹، ۵/ ۳۳۸). تحقیقات روانشناسان ثابت کرده است که زنان در مقابل غریزه جنسی بسیار مقاوم هستند، به عکس مردان که به سرعت و شدت در برابر مناظر تحریک‌آمیز، دچار طغیان شهوت می‌شوند و مقاومت خویش را از دست می‌دهند (هاشمی‌رکاوندی، ۱۳۷۰، ۲۲۰).

تفاوت‌های عمده‌ای بین مردان و زنان در مورد فیزیولوژی روابط زناشویی وجود دارد، پزشکان، فیزیولوژیست‌ها و زیست‌شناسان تحقیقات فراوانی در این زمینه داشته و برای هر یک از دو جنس، مقیاس‌ها و هنجارهای معین و مشخصی به دست داده‌اند. در این تمایزات و تفاوت‌ها، از دستگاه تناسلی و تولید مثل (که اساسی‌ترین تفاوت جسمانی بین زن و مرد است) گرفته تا دستگاه‌های عصبی، گوارشی، استخوان‌بندی و تنفس و خون مورد توجه و تحقیقات موشکافانه بسیاری متخصصان این رشته قرار گرفته‌اند. پیچیده‌تر بودن دستگاه تناسلی زن نسبت به مرد، تحولات هورمونی و تغییرات آن در هر ماه در طول عمر زن، مسائلی همچون قاعدگی، آبستنی، زایمان، شیردهی، یائسگی را پدید می‌آورد و بر جسم و روان و کار و رفتار زن تأثیر می‌گذارد (آیزاک، ۱۳۷۲، ۱۱۸). پسران بیش از دختران خواستار اوج لذت جنسی هستند، نسبت به نشانه‌های جنسی حساس‌ترند، برای باقی ماندن در حالت تحریک جنسی، کمتر به تحریک مداوم احتیاج دارند،

میزان روابط جنسی آنها با بیش از یک نفر بیشتر از دختران است، کمتر از دختران اصرار دارند که محبت باید حاکم بر روابط جنسی بر روابط جنسی باشد، و دوام روابط یک زوج خاص بیشتر مورد نظر دختران است تا پسران (کجباف، ۱۳۸۷، ۷۶). میل جنسی مردها بیشتر از زنان است و زودتر از زنان تحریک جنسی می‌شوند ولی تحریک جنسی در زنان نیاز به مراحل پیچیده‌تری دارد. اختلاف در میل جنسی، اختلاف در حس برانگیختگی، اختلاف در رسیدن به ارگاسم و... ایجاد حس برانگیختگی در زنان، به یک رابطه خوب عاطفی با همسر نیاز دارد و بدون آن، این حس هرگز برانگیخته نخواهد شد یا اگر ایجاد شود هم به ارضای جنسی منتهی نمی‌شود یا خیلی زود از بین می‌رود. توان باروری مرد بسی بیشتر از زن است و تا ۸۰ سالگی و پس از آن می‌تواند ادامه یابد، در حالی که می‌توان باروری زن با یائسگی که در حدود ۵۰ سالگی رخ می‌دهد، پایان می‌یابد. و به علاوه عقیمی در زنان بسیار شایع‌تر از مردان است. در مراحل مختلف آمیزش جنسی: مرحله تحریک، میل به جنس مخالف، مرحله تهییج و استمرار شهوت، مرحله اوج لذت جنسی و نیز ارضای جنسی و فروکش نمودن شهوت، میان زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد. میل جنسی مرد شدیدتر از زن است و جنبه شهوانی بیشتری دارد. زن برای آمیزش به عوامل روانی، احساسی، ذهنی و فیزیکی نیازمند است. توان آمیزش در مرد با انزال پایان می‌یابد ولی در زن می‌تواند بارها تکرار شود.

در میانسالی به تدریج از تعداد موارد نزدیکی کاسته می‌شود. شروع نزدیکی در این دوران بیشتر به حضور مرد بستگی دارد و معمولاً بیشتر وقت و انرژی مردان در این زمان صرف کار بیرون می‌شود. شاید وظایف زن به عنوان یک مادر و همسر تا حدی باعث کاهش توجه او به نیازهای جنسی شود. در کل تمایلات جنسی زن کاملاً به احساس دل‌بستگی متقابل بین او و همسرش و احساس امنیتی که در این رابطه برایش به وجود آمده ارتباط دارد (شیر محمدی، ۱۳۸۳، ۳۱۳).

هورمون‌های آندروژنی در کنار اثر غیر مستقیم استروژن، نقش مهمی در شور جنسی زنان به عهده دارند. برخی مطالعات حاکی از افزایش شور و فعالیت جنسی زنان حول و حوش میان دوره می‌رسد. برداشتن تخمدان یا از کار افتادن تخمدان بعد از یائسگی به تنهایی منجر به کاهش میل جنسی زنان نمی‌شود مگر اینکه علل روانی یا عضوی دیگری با آن همزمان شود. گاهی کاهش استروژن و خشکی واژن و ناراحتی حاصل از آن باعث کاهش شور جنسی در زنان یائسه می‌شود که می‌توان آن را به عنوان یک علت ارگانیک تلقی کرد. احتمالاً آندروژن‌های غده فوق کلیوی در حفظ تمایلات جنسی زنان بی‌تاثیر نیست (همان، ۲۹۴).

با شناخت این تفاوت‌ها می‌توان، دلیل بیان اینکه دسترسی داشتن به وطنی تنها در احسان مرد شرط است نه زن را درک نمود. دسترسی داشتن به وطنی تنها در احسان مرد شرط است نه زن، امکان تمتع و بهره بردن جنسی در هر زمان که بخواهد و اراده کند برای او وجود داشته باشد، این است، طبق روایات، افزون بودن صبر در زنان نسبت به مردان در روابط جنسی سبب شده است که زنان با داشتن شهوت بیشتر در برابر میل جنسی مقاوم باشند و مردان، در برابر شهوت جنسی ضعیف‌تر می‌باشند. از طرفی مردان بیش از دختران نسبت به نشانه‌های جنسی حساس‌ترن، کمتر به تحریک مداوم احتیاج دارند، زنان اصرار دارند که محبت باید حاکم بر روابط جنسی بر روابط جنسی باشد، به همین سبب تحریک جنسی در زنان نیاز به مراحل پیچیده‌تری دارد.

۳-۴. مباشرت از طریق متعارف

جماع با همسر از راه قبل صورت گرفته باشد. مرحوم صاحب جواهر بر این شرط اشکال می‌کند و می‌گوید: روایات زنا اطلاق دارند و شامل وطنی در دُبر هم می‌شوند. لکن این شرط علاوه بر آنکه موافق احتیاط است، و ادعای اجماعی بر آن شده است. اضافه شده، بر این حکم در نهاییه و مبسوط و سرائر و جامع و اصباح و غنیه نیز ادعای اجماع شده. (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱/۲۷۲) امام خمینی هم ضمن اشاره به این امر می‌گوید مرد قبل از ارتکاب زنا با همسر حلال خود، از راه فرج جماع کرده باشد و بنابر احتیاط جماع در پشت زن، در اینکه مرد را محصن بسازد، کافی نیست. بنابراین اگر زن عقد بسته دارد و با او خلوت هم کرده باشد، لکن جماع در فرج نکرده باشد و یا اگر در فرج بوده به کمتر از حشفه داخل کرده، و یا اگر حشفه نداشته از آنچه داشته مقداری کمتر از حشفه داخل کرده، به طوری که شک داشته باشد در اینکه دخول شده یا نه، و سپس با زنی زنا کرده باشد، چنین کسی محصن نیست. (خمینی، بی‌تا، ۲/۴۵۷)

ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته، حد زنا در موارد زیر رجم است:

الف- زیان مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می‌تواند به او جماع کند.

ب- زناي زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جمع با شوهر را نیز داشته باشد.

امام خمینی اشکالی به این وارد کرده‌اند: این ماده، جماع را شرط احسان ذکر کرده که مطلق است و شامل قُبُل و دُبر می‌شود ولی این احتیاط خلاف احتیاط است (همان، ۲/۴۱۲).

۱-۳-۴. اثر طلاق در احصان

یکی از مواردی که زن و مرد علیرغم گسسته شدن علقه زوجیت باز هم محصن محسوب می‌شوند، طلاق رجعی است. چرا که: اولاً؛ روایت خاص در این مورد وجود دارد. ثانیاً؛ ادله طلاق رجعی ثابت می‌کند که مطلقه رجعیه مانند زوجه‌ی انسان است و لذا احکام زوجه را دارد. اگر طلاق به صورت بائن باشد از احصان خارج می‌شود (خوئی، ۱۴۲۲/۱، ۲۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴/۱، ۱۸۴). روایت شده که از امام صادق (ع) راجع به زنی که در زمان عده خود ازدواج کرد، سؤال شد فرمودند: اگر در عده طلاق رجعی ازدواج کرده باشد، باید رجم شود (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۷۵/۲۸).

زن مطلقه در طلاق رجعی از احصان خارج نمی‌شود، اگر با علم به تحریم ازدواج، ازدواج کند، حد رجم بر او انجام می‌شود. همچنین در مورد مرد در صورت باقی بودن عده طلاق رجعی، از احصان خارج نمی‌شوند. اما با طلاق بائن - منافی احصان و محصن بودن است - گرچه عده‌اش هنوز تمام نشده باشد، از احصان خارج می‌شوند. (علامه حلی، ۵۲۹/۱۴۱۳، ۳؛ مقداد حلی، کنز/عرفان، ۸۵۴/۲) شهید ثانی در ذیل این عبارت می‌گوید: بنابراین مردی که همسرش را طلاق داده زنا کند، یا زنی که شوهرش او را طلاق داده با علم به تحریم ازدواج با دیگری ازدواج کند یا زنا دهد، سنگسار می‌شود، در صورتی که عده رجعی باشد؛ چون زن در زمان عده رجعی در حکم زوجه است، اگر چه زن در زمان عده قادر به رجوع به مرد نیست و حق رجوع تنها برای مرد است، اما این قذحی به احصان زن وارد نمی‌سازد، همانگونه که تمکن زن از وطی در احصان او شرط نیست؛ برخلاف طلاق بائن، چون عصمت به واسطه بائن منقطع شده است. در نتیجه برای تحقق یافتن دوباره احصان باید وطی دیگری صورت پذیرد، خواه زوجیت دائم میان آن دو با عقد تازه‌ای برقرار شود یا با رجوع کردن در طلاق، این در صورتی است که طلاق خلع یا مبارات باشد و زن در بذل مهر رجوع کرده باشد (شهید ثانی، ۲۷۵/۱۳۸۰، ۳).

مرحوم خویی نیز معتقد است؛ مرد با طلاق بائن از احصان خارج شده است و رجوع دوباره او به زن در حکم ازدواج جدید است و قبل از آمیزش با زن اثری بر آن مترتب نیست و در مورد زن نیز همانگونه است چون از شریط احصان دخول و آمیزش زوجین است (خویی، ۲۵۴/۱۴۲۲، ۱).

زن و مرد با طلاق بائن از احصان خارج می‌شوند، یعنی اگر کسی زن خود را با طلاق خلع و مبارات مطلقه کند در فرض رجوع مرد به زن مادامی که در او دخول نکرده زانی او با زن دیگر و زانی دیگران با زن او همین زن محصنه نیست (خمینی، ۴۵۸/۲).

۴-۴. اسلام

طبرسی گفته اسلام از شروط احصان رجم است، زن و مرد اگر هر دو کافر باشند، محصن نیستند (طبرسی، ۱۴۱۰، ۳۹۹/۲). شیخ طوسی در مبسوط و در خلاف (طوسی، ۲۶۹/۱۳۸۷، ۴؛ خلاف، ۴۰۲/۱۴۰۷، ۵) و شهید اول در الممعه (شهید اول، ۱۳۸۰، ۲۳۵) و شهید ثانی در روضه البهیة (شهید ثانی، ۲۷۶/۱۳۸۰، ۳) و ابن ادریس در السرائر (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۴۳۷/۳) اسلام را شرط احصان نمی‌دانند. اگر در کافر شرایط احصان یافت شود او محصن است هرگاه زنا کرد، واجب است که رجم شود (طوسی، ۱۳۸۷، ۲۶۹/۴). ابن زهره، اسلام را شرط نمی‌داند (ابن زهره، ۱۴۱۷، ۴۲۳).

در تحقق احصان، اسلام شرط نیست؛ بلکه با تحقق شرایط لازم در احصان فرد نصرانی، یهودی هم محصن می‌باشند. صحیح بودن عقد نکاح در نزد خودشان شرط است. پس در صورت تحقق زانی محصنه فرد غیر مسلمان هم رجم خواهد شد. امام خمینی نیز ضمن اشاره به این مطلب می‌گوید: شوهر مسیحی هم زن مسیحی خود را محصن می‌سازد و به عکس زنی مسیحی شوهر مسیحی خود را محصن می‌کند، پس اگر مردی غیر مسلمان با همسر غیر مسلمان خود جماع کند و سپس مرتکب زنا شود، زنايش محصن است (خمینی، بی تا، ۴۵۸/۲). در آیه کریمه «...فَإِذَا أَحْصَنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ» (نساء، ۲۵) احتمال داده‌اند، احصان به معنای اسلام باشد. محصنات در آیه ۵ سوره مائده، دوبار تکرار شده که آن را نیز به «زنان مسلمان» تفسیر کرده‌اند؛ با این توضیح که مقصود از «المُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ» زنانی هستند، که در اصل مسلمانند و «المُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» زنانی به‌شمار می‌روند که اهل کتاب بوده و مسلمان شده‌اند. (راوندی، بی تا، ۱۳۴/۲)

۱-۴-۴. اثر ارتداد در احصان

اگر شخصی که محصن است مرتد فطری شود از احصان خارج می‌شود چون به محض ارتداد فطری زوجه‌اش از او جدا می‌شود اما اگر مرتد ملی شود در این صورت زنش عده نگه می‌دارد اگر در طول عده، زنا کند محصن است و اگر بعد از عده همسرش زنا کند، محصن نخواهد بود (خمینی، بی تا، ۴۵۹/۲).

۵-۴. آزاد بودن

برخی، آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» (مائده، ۵) را به ازدواج با زنان آزاد مسلمان و زنان آزاد از اهل کتاب مربوط دانسته (جامع البیان، بی تا، ۱۴۰/۶).

ابن زهره برای زن حریت را شرط نمی داند و معتقد است برای مرد شرط احسان این است که همسر داشته باشد چه آزاد چه کنیز (ابن زهره، ۱۴۱۷، ۴۲۳).

شیخ طوسی (طوسی، ۵، ۴۰۲/۱۴۰۷)، شهید اول (شهید اول، ۱۸۴/۱۴۱۴)، ابن ادریس (ابن ادریس، ۳، ۴۳۷/۱۴۱۰)، طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۰، ۳۹۹/۲) و امام خمینی (خمینی، بی تا، ۴۵۸/۲) حریت و آزاد بودن را از شرایط احسان دانسته.

اگر بنده، با همسرش مباشرت کند، خواه آزاد باشد خواه کنیز، محسن نخواهد بود اگر پس از آن، آزاد شود مادام که پس از آزاد شدن همسرش با او مباشرت نداشته باشد (شهید ثانی، ۳، ۲۷۵/۱۳۸۰).

امام صادق علیه السلام فرمود: «مرد آزاد، کنیز را و نیز غلام زن آزاد را محسن نمی سازد» (طوسی، ۱۷/۱۴۰۷، ۱۰).

شیخ طوسی گفت: «این روایت با این که کنیز هم محسنه می شود، منافاتی ندارد؛ چرا که توجیه این روایت آن است که مرد آزاد نمی تواند، کنیز را محسن سازد به گونه ای که اگر کنیز زنا داد، حکم سنگسار بر وی واجب شود. مانند موردی که در اختیار مرد آزاد، زن آزاده ای باشد و آن زن زنا دهد که حکم سنگسار بر زن واجب می شود و این تفاوت بدان جهت است که حد برده و کنیز اگر زنا کنند، نصف حد آزاد است و آن پنجاه تازیانه است که به هیچ شکل سنگسار نمی شوند و همچنین است فرموده ای امام (ع): زن آزاد نمی تواند برده را محسن سازد؛ به این معنی که زن آزاد نمی تواند برده را به گونه ای که حکم سنگسار بر وی واجب شود، محسن سازد و بر پایه این تاویل، دیگر میان روایات منافاتی نیست».

حلبی گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره مرد آزاد پرسیدم که: آیا کنیز را محسنه می کند؟ حضرت فرمود: مرد آزاد، کنیز را محسنه نمی کند و کنیز مرد آزاد را محسن نمی سازد ولی مرد یهودی، زن مسیحی را و مرد مسیحی، زن یهودی را محسن می کند» (حر عاملی، ۷۱/۲۸، ۱۴۰۹).

آیت الله خویی درباره شرط آزادی می گوید اختلافی بین فقهای شیعه در این مورد وجود ندارد و صحیحه ابویصیر از امام صادق (ع) بر همین مطلب دلالت دارد که می گوید: حضرت درباره برده ای که با زن آزادی ازدواج کرده، سپس آزاد شده است و بعد مرتکب زنا شده است، فرمودند: سنگسار نمی شود مگر اینکه بعد از آزاد شدن با آن زن نزدیکی کرده باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۱). و می گوید که در احسان مرد (خویی، ۲۴۵/۱، ۱۴۲۲) زن و آزاد بودن شرط است (خویی، ۱۴۲۲، ۲۵۱/۱).

۶-۴. بلوغ زانی

بدین معنا که زنا در حالت بلوغ واقع شود تا حد رجم جاری بشود. اگر زن و مرد قبل از بلوغ مرتکب چنین کاری شود، حد جاری نیست. شیخ طوسی (طوسی، ۵، ۴۰۲/۱۴۰۷)، ابن زهره (ابن زهره، ۱۴۱۷، ۴۲۳)، طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۰، ۳۹۹/۲)، ابن ادریس (ابن ادریس، ۳، ۴۳۷/۱۴۱۰)، شهید اول (شهید اول، ۱۸۴/۱۴۱۰)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۳۸۰، ۲۷۴/۳)، فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۰، ۴۵۳/۱۴۱۶) و مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ۷۸) بلوغ را شرط احسان می داند.

در احسان مرد، بلوغ زن شرط است، اگر مرد با زن صغیر زنا کند رجم نمی شود. در احسان زن، بلوغ مرد شرط است، اگر با زن صغیر زنا کند رجم نمی شود (علامه، ۲، ۱۷۱/۱۴۱۰، شهید اول، ۴، ۱۸۵/۱۴۱۰).

ابویصیر گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره پسر نابالغ ده ساله ای که با زنی زنا کند، سؤال شد: حضرت فرمود: پسر کمتر از حد، تازیانه می خورد و زن، حد کامل بر او جاری می شود. از امام سؤال شد: اگر زن محسن باشد؟ حضرت فرمود: سنگسار نمی شود؛ چون فردی که با او آمیزش کرده است بالغ نیست و اگر وی بالغ بود، زن سنگسار می شد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۸۲/۲۸).

امام صادق علیه السلام درباره پسری که با زنی زنا می کند، فرمود: «پسر، تعزیر می شود و بر زن حد کامل جاری می شود و درباره مردی که با دختری نابالغ زنا می کند، فرمود: دختر تعزیر می شود و بر مرد، حد کامل جاری می شود».

برخی، احسان را به معنای «بلوغ» گرفته، و جمله «فَإِذَا أَحْصَيْنَ...» را به بلوغ کنیزان معنا کرده اند. این آیه، اجرای نیمی از حد زنان آزاد را بر کنیزان بالغ، واجب می کند.

برخی فقها بلوغ را به عنوان شرط اجرای حد می دانند، بدین معنا که زنا باید در حال بلوغ باشد تا حد رجم جاری شود. برخی دیگر بلوغ را به عنوان شرط دخول با همسر گرفتند.

شیخ در مبسوط می‌گوید: «حد الاحصان عندنا هو كل حر بالغ» حد احصان نزد ما این است که حر و بالغ باشد. یعنی اینکه زنا در حال حریت و بلوغ باشد، ظاهرش این است. کاری ندارد که دخول در زمان بلوغ باشد. (طوسی، ۳۹۹/۲، ۱۴۰۷) زنا با کسی که به سن بلوغ نرسیده، موجب رجم نیست (خویی، ۲۵۳/۱۴۲۲، ۴۱).

شهید ثانی می‌گوید: مقتضای این است که در کنیز و دختر بچه نیز احصان تحقق می‌یابد، زیرا اصابت مرد بالغ و عاقل حر، با فرجی که به واسطه عقد دائم یا رقیق مملوک او می‌باشد، در جایی که آن مرد با دختر بچه یا کنیز، وطی می‌کند، مصداق می‌یابد و موجب احصان مرد و در نتیجه مایه احصان زن نیز می‌گردد، در حالی که احصان در دختر بچه و کنیز تحقق نمی‌یابد و زن در صورتی محصن می‌شود که او بالغ، عاقل و آزاد باشد، مانند مرد، و نیز مردی که با او وطی کرده، بالغ باشد، اما لازم نیست که عاقل هم باشد. (شهید ثانی، ۳/۱۳۸۰، ۲۷۵)

شهید در مسالک بیان کرده «البلوغ فالصبی لیس بمحصن ولا حد علیه» صبی حد ندارد «لأن فعله لیس بجناية» مراد از «فعله» زنا می‌باشد، زنا و فعل صبی جنایت محسوب نمی‌شود. می‌گوید: در احصان، بلوغ شرط است، زنایی غیر بالغ، عقوبت ندارد. پس خود آن عمل مهم است، نه شرطیت آن برای دخول. این تعلیل، دلیل بر این است که بلوغ را شرط دانستند. علامه در «یضاح القواعد»، بلوغ را به عنوان یک شرط در دخول دانسته «الثانی أن یكون الواطی بالغاً» واطی بالغ باشد، زنا بعد از آن واقع شود. (شهید ثانی، ۳۳۳/۱۴۱۳، ۱۴) مکارم شیرازی نیز در «انوار الفقاهه» به این مطلب اشاره نموده (مکارم، ۱۴۱۸، ۷۸). برخی فقها چون صاحب جواهر هر دو را بیان نموده‌اند، هم اصل شرطیت بلوغ را در حد زنا و هم شرطیت بلوغ را در دخول. جمع بین دو مسأله نموده؛ ایشان می‌فرماید: بلوغ در حد زنا معتبر است و زنا باید بعد از بلوغ باشد و مسأله اجماعی است (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۶۹/۴۱). صاحب جواهر بر این نظر است؛ اگر غیر بالغ با همسر خود جماع کند و دخول کند تا حدی که حشفه پنهان شود و سپس در حال بلوغ زنا کند آن جماع قبل از بلوغ که با همسر خود داشته موجب تحقق احصان نمی‌شود چون در احصان شرط است که جماع بعد از بلوغ باشد اگر چه زوجیت قبل و بعد از بلوغ مستمر باشد و اگر چنین فردی زنا کند زنای او به دلیل برائت و استصحاب، زنای محصنه نخواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۶۹؛ خمینی، بی‌تا، ۲/۴۵۷). اگر پسری نابالغ هر چند مراهق، در حلال خود داخل کرده باشد و سپس مرتکب زنا شده باشد نه او محصن است و نه آن زن، پس اگر نابالغی که در همسر حلال داخل کرده و پس از بلوغ مرتکب زنا شده باشد، بنابر احتیاط احصان محقق نشده است هر چند که زوجیت او با همسرش مستمر و باقی باشد. (خمینی، بی‌تا، ۲/۴۵۷)

از بیان صاحب جواهر وجه احتیاط امام خمینی در تحریر نیز واضح می‌گردد چون بر این شرط روایت و دلیل قطعی وجود ندارد و اشتراط بلوغ، علی القاعده و الاصل می‌باشد، لذا مرحوم امام در این مورد فتوی نداده‌اند و احتیاط کرده‌اند. اگر غلام صغیری که درک پسر ده ساله ای را هم ندارد با زنی زنا کند، غلام کمتر از حد زنا تازیانه می‌خورد، و بر زن حد کامل اجرا می‌شود (شیخ صدوق، ۴۳۲، ۱۴۱۵)

۷-۴. عقل

منظور عاقل بودن حین زنا است. یعنی در آن موقع اگر عاقل نباشد، نه حد جلد و نه حد رجم، درباره او جاری نمی‌شود. اما اشتراط عقل در تحقق احصان اختلافی است. در اکثر کتب فقهی از این شرط بحثی نشده و آنچه که بیشتر مورد بحث واقع شده این است که اگر مجنونی با زن عاقلی زنا کند آیا حد بر او جاری می‌شود یا نه شیخ طوسی و مفید و صدوق و قاضی و ابن سعید گفته‌اند: اگر مجنونی در حال جنون با عاقله‌ای جماع کرده باشد در غیر محصن محکوم به جلد است و اگر محصن زنا کرده باشد عمل او زنای محصنه محسوب می‌شود. در مقابل این قول مرحوم محقق در نکت نهاییه و ابن نصره در غنیه و ابن ادریس در سرائر با استدلال به حدیث رفع گفته‌اند: که احصان در این حال ثابت نمی‌شود. ولی امام خمینی عقل را شرط دانسته‌اند علی‌الاحوط (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷۴؛ خمینی، بی‌تا، ۲/۴۵۷) دلیل این شرط عموماتی است که تکلیف را در مورد مجنون مرفوع می‌دانند.

ابن زهره (ابن زهره، ۴۲۳، ۱۴۱۷)، شیخ طوسی (طوسی، ۵، ۴۰۲/۱۴۰۷)، طبرسی (طبرسی، ۲، ۳۹۹/۱۴۱۰)، ابن ادریس (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۴۳۷/۳)، شهید ثانی در شرح اللمعه (شهید ثانی، ۳، ۲۷۵/۱۳۸۰) و فاضل هندی در کشف اللثام (فاضل هندی، ۱۰، ۴۵۳/۱۴۱۶) و مکارم شیرازی در «انوار الفقاهه» (مکارم شیرازی، ۸۰، ۱۴۱۸) عقل را شرط احصان می‌دانند. علامه در تحریر الاحکام و صاحب ریاض در ریاض المسائل بر داشتن کمال عقل، ادعای اجماع کرده‌اند (علامه، ۱۴۲۰، ۳۰۶/۵)؛ حائری طباطبایی، ۱۴، ۴۴۵/۱۴۱۸. مجنون اگر با زن عاقلی که محصن باشد، زنا کند، بر او حد رجم جاری نمی‌شود (علامه، ۱۴۲۰، ۳۰۶/۵).

در احصان مرد، عقل زن شرط است، اگر مرد با زن مجنون زنا کند رجم نمی‌شود. و اگر با زن مجنون زنا کند رجم می‌شود (علامه، ۲، ۱۷۱/۱۴۱۰؛ شهید اول، ۴، ۱۴۱۰/۲۳۵؛ ۱۸۵/۱۳۸۰؛ مکارم شیرازی، ۸۰، ۱۴۱۸)

برخی گفته‌اند: اگر زناکار محصن پیر باشد دو حد بر او جاری می‌شود؛ یکی صد ضربه تازیانه و دیگری سنگسار شدن و اگر جوان باشد تنها حد دوم جاری می‌گردد؛ لیکن مشهور تفاوتی بین پیر و جوان قائل نشده و هر دو را مستحق دو حد دانسته‌اند (شاهروندی، ۳، ۱۴۲۶/۱۳۵).

اگر فرد در حال سلامتی عقل با زنی ازدواج کند و سپس دیوانه شود و در حال جنون با او جماع کند آنگاه در حال سلامتی مرتکب زنا شود باز بنا بر احتیاط محصن نمی‌شود. (خمینی، بی‌تا، ۴۵۷/۲)

۸-۴. علم به اصابت

علم به اصابت و مباشرت تام به دو صورت محقق می‌شود؛ اقرار خود مرد، اقامت بینه بر آن. صرف خلوت کردن مرد با زن، یا بچه آوردن دلیل وقوع اصابت نخواهد بود، زیرا اینها اعم از اصابت است. (شهید ثانی، ۳، ۲۷۴/۱۳۸۰)

۵- احصان در قانون مجازات اسلامی

از ماده ۸۳ الی ۸۶ قانون مجازات اسلامی در مورد زناهی محصنه و شرایط تحقق احصان می‌باشد.

ماده ۸۳ - حد زنا در موارد زیر رجم است:

الف - زناهی مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می‌تواند به اوجماع کند.

ب - زناهی زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جمع با شوهر را نیز داشته باشد.

تبصره: زناهی زن محصنه با نابالغ موجب حد زنا می‌شود.

ماده ۸۴- بر پیرمرد یا پیرمرو زانی که دارای شرایط احصان باشند، قبل از رجم، حد جلد جاری می‌شود.

ماده ۸۵- طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده، مرد یا زن را از احصان خارج نمی‌کند ولی طلاق بائن آنها را از احصان خارج می‌نماید. محصن بودن شخص فقط به داشتن همسر نیست، بلکه به استناد ماده ۸۶ قانون مجازات اسلامی، «زناهی مرد یا زنی که... بواسطه‌ی مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد، موجب رجم نیست.»

۶- قانون مجازات جدید

لایحه قانون مجازات اسلامی در پنج باب، کلیات، حدود، قصاص، دیات و مجازات‌های تعزیری و بازدارنده تنظیم گردیده که در باب کلیات، اصول کلی قابل اعمال در ابواب دیگر شامل تعاریف و قلمرو اعمال مجازات، مبنای مسئولیت کیفری و شخصی بودن مجازات، تقسیم بندی جرایم و مجازات‌ها بر اساس مبنای اسلامی، حدود مسئولیت کیفری و موانع آن، جهات تخفیف مجازات و شرایط آزادی مشروط، تعویق، تعلیق و زوال محکومیت کیفری مورد توجه قرار گرفته است. تدوین اصول کلی در خصوص مسئولیت مرتکب در باب حدود و انواع آن... در این لایحه مورد توجه خاص قرار گرفته.

ماده ۶-۲۲۱: احصان در هریک از مرد و زن به نحو زیر محقق می‌شود:

۱- احصان مرد عبارت است از آن که دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، از طریق قبل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قبل را با وی داشته باشد

۲- احصان زن عبارت است؛ از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، همان شوهر بالغ با او از طریق قبل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قبل را با وی داشته باشد.

ماده ۷-۲۲۱: اموری از قبیل مسافرت، حبس، حیض، نفاس و بیماری مانع مقاربت یا بیماری که موجب خطر برای طرف مقابل می‌گردد مانند ایدز و سفلیس، زوجین را از احصان خارج می‌کند.

ماده ۸-۲۲۱: طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده، با وجود سایر شرایط مرد و زن را از احصان خارج نمی‌کند؛ ولی طلاق بائن آنها را از احصان خارج می‌نماید.

تبصره- طلاق خلعی که تبدیل به رجعی شده باشد تا قبل از جماع موجب خروج طرفین از احصان است.

۷-نتیجه

بیشتر فقها شرایط احسان زن و مرد را در زنای محصنه یکسان می‌دانند. و برخی تفاوت‌های در این شرایط ذکر نموده‌اند؛ زوجیت دائمی، مباشرت از طریق متعارف، امکان تمتع، شرط اسلام، آزاد بودن، بلوغ، عقل، علم به اصابت از جمله این شرایطند، شرط ازدواج دائم را همه فقها پذیرفته‌اند و مورد اتفاق است که احسان با وجود همسر دائمی محقق می‌شود، این شرط را بیشتر فقها به مرد نسبت داده‌اند، اگر این مورد، شرط احسان زن هم باشد ظاهراً به صورت صریح ذکر نشده، همچنین بنا بر اجماع، همه فقها قبول دارند متعه احسان نمی‌آورد، هر چند، امکان تمتع زوجین از یکدیگر برای تحقق احسان زن و مرد فراهم باشد، دسترسی داشتن به وطی تنها در احسان مرد شرط است نه زن، به سبب اختلاف در میل جنسی زن و مرد، اختلاف در حس برانگیختگی که در زن و مرد وجود دارد. احتمالاً این مورد از شرایط اساسی تفاوت احسان زن و مرد می‌باشد.

زن مطلقه در طلاق رجعی از احسان خارج نمی‌شود، اگر با علم به تحریم ازدواج، ازدواج کند، حد رجم بر او انجام می‌شود. همچنین در مورد مرد در صورت باقی بودن عده طلاق رجعی، از احسان خارج نمی‌شوند. در شرط بودن اسلام و آزادی بین فقها اختلاف است.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم، ترجمه فولادوند، م.م، چاپ دوم، نشر دار القرآن-دفتر مطالعات تاریخ و معارف، اسلامی، قم، ۱۳۷۹.
- [۲] آسیموف، آ.، اسرار مغز آدمی، ترجمه محمود بهزاد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
- [۳] ابن ادریس، م.، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ق.
- [۴] ابن بابویه، م.، المقتنع (للشیخ الصدوق)، چاپ اول، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم، ۱۴۱۵ق.
- [۵] -----، من لایحضره الفقیه، چاپ اول، نشر صدوق، تهران، ۱۴۰۹ق.
- [۶] ابن زهره، ح.، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، چاپ اول، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۱۷ق.
- [۷] ابن منظور، م.، لسان العرب، چاپ سوم، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- [۸] جعفری لنگرودی، م.ج.، ترمینولوژی حقوق، چاپ نوزدهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷.
- [۹] حر عاملی، م.، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
- [۱۰] حلی، ج.، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ره، قم، ۱۴۰۴ق.
- [۱۱] خمینی، ر.، تحریر الوسیله، قم، چاپ اول، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم.
- [۱۲] خویی، ا.، مبانی تکملة المنهاج، چاپ اول، مؤسسه الآثار الامام الخویی ره، قم، ۱۴۲۲ق.
- [۱۳] راغب اصفهانی، ح.، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان، ۱۴۱۲ق.
- [۱۴] [راوندی، س.، فقه القرآن، محقق: حسینی اشکوری، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم.
- [۱۵] [شاهروندی، م.، جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۲۶ق.
- [۱۶] شهید اول، م.، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۴ق.
- [۱۷] -----، اللمعة دمشقیة، چاپ شانزدهم، انتشارات دارالفکر، قم، ۱۳۸۰.
- [۱۸] شهید ثانی، ز.، الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة، چاپ سوم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۰.
- [۱۹] -----، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، چاپ اول، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۳ق.
- [۲۰] شیرمحمدی، ح.ر.، راهنمای کامل تشخیص اختلالات جنسی به همراه ارزیابی علل روانی و جنسی، چاپ دوم، نشر جامعه نگر، ۱۳۸۳.
- [۲۱] طباطبایی حائری، ع.، ریاض المسائل، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۸ق.
- [۲۲] طبرسی، ف.، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد، اول، ۱۴۱۰ق.
- [۲۳] طبری، م.، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت.
- [۲۴] طوسی، م.، الخلاف، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۷ق.
- [۲۵] -----، المبسوط فی فقه الإمامیة، چاپ سوم، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، ۱۳۸۷ق.
- [۲۶] -----، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
- [۲۷] علامه حلی، ح.، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، اول، ۱۴۱۰.
- [۲۸] -----، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، چاپ اول، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۷ق.
- [۲۹] -----، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، چاپ اول، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۲۰ق.
- [۳۰] علم الهدی، ع.، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۵ق.
- [۳۱] فاضل آبی، ح.بن.، كشف الرموز فی شرح المختصر النافع، چاپ سوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.
- [۳۲] فاضل مقداد، م.ع.، كنز العرفان فی فقه القرآن، چاپ اول، پاساژ قدس، قم.
- [۳۳] فاضل هندی، م.ح.، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۶ق.

- [۳۴] کلینی، م. ی، الکافی، چاپ اول، دار الحديث للطباعة و النشر، قم، ۱۴۲۹ ق.
- [۳۵] کجیاف، م. ب، روان شناسی رفتار جنسی، چاپ چهارم، نشر روان، تهران، ۱۳۸۷.
- [۳۶] محقق حلی، ج، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، چاپ ششم، مؤسسه المطبوعات الدینیة، قم، ۱۴۱۸ ق.
- [۳۷] ۳۴- -----، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم، ۱۴۰۸ ق.
- [۳۸] مصطفوی، ح، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- [۳۹] مکارم شیرازی، ن، أنوار الفقاهة - کتاب الحدود و التعزیرات (لمکارم)، انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، قم، اول، ۱۴۱۸ ق.
- [۴۰] منصور، ج، قانون مجازات اسلامی، چاپ نود و ششم، نشر دیدار، تهران، ۱۳۹۱.
- [۴۱] مؤمنی، ع، حقوق جزای اسلام، تهران، خط سوم، ۱۳۸۲، چاپ اول.
- [۴۲] نجفی، م. ح، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
- [۴۳] هاشمی رکاوندی، م، مقدمه ای بر روانشناسی زن، چاپ اول، بهار، ۱۳۷۰.